



۲۰۱۷/۱۰/۲۰

ملالی موسی نظام

با تاریخ نمی شود جنگید

مضمون ضمیمه، در سال ۲۰۱۰ به مناسبت سالگرد ترور احمد شاه مسعود در مطبوعات افغانی منتشر گردید. چون همانطوری که در راپور دانشمند خبره، محترم احسان الله میار از صفحات نظر دهی و ابراز عقاید در فیس بوک به ارتباط جنگیات اخیر احمد ضیاء مسعود در مورد برادر وی احمد شاه مسعود، به تعداد زیادی از نظریات صادقانه هموطنان آگاهی پیدا نمودیم. ملت افغانستان، دوست و دشمن خویش را سالهاست که شناخته است، ولی هنوز هم دار و دسته مسعود برای انحراف اذهان مردم افغانستان از حقایق زندگی و فعالیت های گوناگون وی و ادامه قدرتمندی و زور آوری بر یک ملت مظلوم، با کجروی های غیر ملی و استفاده جویی های بیدریغ با استفاده از نام پوشالی او منحصیث «قهرمان ملی»، در صدد کتمان واقعیت های تاریخ و رویداد های اصلی سرزمین به آتش و خون نشسته ما هستند، یکبار دیگر نوشته هفت سال قبل را محترمانه خدمت خوانندگان تقدیم میدارم:

۹ سپتمبر، ۲۰۱۰

ملالی موسی نظام

ستیزه با واقعیت های تاریخ افغانستان ناممکن است

مقدمه:

در ماه فروری امسال، اینقلم مورد عتاب و شماتت یکی از وابستگان اجیر شورای نظار بنام امان الملك جلاله قرار گرفت بدلیل اینکه حقایق آشکارای تاریخی معاصر را با ارائه اسناد و مدارک تاریخی در مضمون خویش در مورد یکی از جنگ سالاران بنام احمد شاه مسعود بیان نموده بودم. اینکه شخص مذکور از نگاه معلومات تاریخی و آفاقی مملکت در حالت اسفباری قرار دارد، جای شکی نیست، ولی چون وی به گروه و دسته ای متعلق میباشد که نمایندگی آنان را بر عهده داشته و در ماهنامه معلوم الحال «امید» با نفيه واقعات تاریخی آشکارای دهه های اخیر افغانستان و تحریف آنها قلم فرسایی هم مینماید، روشن ساختن حقایق، منجمله جنگ خانمانسوز «افشار» را که ثبت تاریخ و سازمان های خیریه بین المللی میباشد و نامبرده و گروه وابسته به وی آن تراژیدی بشری را که پلان و تعمیم آن توسط قوماندان احمد شاه مسعود صورت گرفت، تمام و کمال انکار نموده و درین مورد گویا آفتاب جهانتاب را با دو انگشت پنهان مینمایند، ضروری است.

بعد از نشر جوابیه عالمانه محترم داکتر سید خلیل هاشمیان بنام «دفاع از پرنسیپ» و نثر جوابیه اینجانب تحت عنوان «آگاهی به تاریخ افغانستان، حق هر فرد افغان است»، منتشره همین پورتال که معرفی آثار، راپور های مستند آرشیف های معتبر، کتب و رساله ها و مضامینی که با اتکاء به حقایق به السنه مختلفه، منجمله دری و پشتو

را احتواء مینمود، هموطنان و ملی گرایان صاحب مطالعه و شواهد عینی و مؤرخینی که مضامین بالا را مطالعه نموده بودند، هم نوشته جات ارزشمند و آموزنده ایکه افشاء گر تاریخ این سه دهه تاریخ وطن ویران میباشند، در قالب جوابیه هایی به رشته تحریر در آوردند. با امتنان از احساسات وطن دوستی، ملی گرائی و علاقه شان به مردم و افغانستان عزیز از همه آنان مخصوصاً دانشمندان و نویسندگان محترم شاغلو محمد داود مومند و قادر هوتک، که نکات مهم و غیر قابل انکاری را در مورد ارزش تاریخ این دوره و رول احمد شاه مسعود، شخصیتی که در حوادث خونین تاریخ معاصر افغانستان جای پای عمیق و شناخته شده ای دارد، میتوان تقدیر نمود. درچنین يك مبحث خصومت های ملت ستیز قومی، مذهبی، لسانی و امثال آن هرگز جایی نمیتواند داشته باشد، بلکه دفاع از پرنسپ و حفظ و افشای تاریخ میرهن افغانستان عزیز، همانطوریکه واقع گردیده است مورد نظر بوده و مدار اعتبار است.

شکی نیست که تاریخ هر ملت مجموعه ای از وقایع و حوادثی است که در يك زمان و مکان خاص وابسته به آن ملت دقیقاً بوقوع می پیوندد. هر رویدادی ورقي از تاریخ همان عصر را با موجودیت نسل هایی رقم میزند. بنابراین، تاریخ ملل باحوادث و وقایع مبرهن آن حق و میراث مردمی است که در يك محدوده جغرافیایی با موجودیت یک قوه حاکمه، بهم پیوست میگردند. عناصری از قبیل لسان، نژاد، دین، مذهب، قوم و گروپ های اقلیت و اکثریت بشری نه در تشکیل ملت میتواند مهم باشد و نه اینکه تاریخ يك ملت را گروپ خاصی میتواند از خود بداند و به آن تعرض و تجاوز نماید. روی همین استدلال است که در افغانستان، سرزمین ملت افغان تاریخ و حوادث آن به همه مردم این سرزمین متعلق بوده و نسل های گذشته، حال و آینده به آن پیوسته و مربوط میگردند.

پس با موجودیت اسناد و مدارک معتبر، واقعاتی که با موجودیت ملیون ها شاهد عینی که خود در بیان و شهادت روی داد های جامعه معاصر در يك زمان و مکان بخصوص سهم داشته اند و چشم دید آنها با مصائبی که متحمل گردیده اند خود میتواند صفحات بیشمار تاریخ را باصداقت و صراحت رقم بزند، هرگز از حقیقت مبرا نمیباشد!

گوشه هائی از مطبوعات و تجلیل روز قتل احمد شاه مسعود، جنگسالار تنظیمی:

علی الرغم کوشش های مذبحخانه يك اقلیت کوچک مشترک المنافع و تحریف نا جایز قسمت هائی از تاریخ این عصر، احمد شاه مسعود بعد از ختم جنگ سرد و افشای آثار محرمانه سی آی آ و کی جی بی دیگر شخصیت ناآشنا و یا قهرمان افسانوی ای که از وی ترسیم نموده بودند، نمی باشد. حقیقتاً افشای پروتوکول های امضاء شده با قوال اشغالگر شوروی، معاهدات، کتب خاطرات مختلفه شاهدان عینی جنگ های افغانستان اعم از دوران جهاد برحق مردم ما و دوران تنظیم های قدرت پرست تنظیمی، خاطرات صد ها نویسنده و صاحب منصب افغان، جنرالان شوروی چون گروموف، آمر قوای نمبر ۴۰ اتحاد شوروی سابق در افغانستان، راپور «پروژه عدالت افغانستان» منتشره هالند، خاطرات ستیو کول فعال در منطقه و نویسنده کتاب مستند «جنگ های ارواح»، ده ها آثار بروس ریچاردسن افغانستان شناس و جورنالست متبحر، و نویسنده «افغانستان: در جستجوی حقیقت» ووو.... هیچ گوشه ای از حوادث آشکارای وطن خونین ما پنهان نمی ماند.

در پهلوی اثبات بدون شك و شبهه اینهمه اسناد تاریخی در شناخت احمد شاه مسعود دلائل دیگری هم موجود است از قبیل اینکه هرگز جنگ مهمی در دوران اشغال افغانستان بین عساکر مخوف روسی و احمد شاه مسعود رخ نداده است، به اساس قرار دادی که مسعود به امضاء رسانید و تا اخیر مورد اعتبار بود، شاهراه سالنگ بروی عساکر شوروی باز و محفوظ نگهداری گردید و حتی پایپ لینی که سرحد شمال افغانستان را به بگرام وصل مینمود هم دست نخورده باقی ماند که میتوانست با يك عدد کوکتیل مولوتوف «نوعی آله انفجار بسیار قوی که ساختن آن آسان است» انفلاق نماید و مواد سوخت قوای اشغالگر را متوقف بسازد. جنرال گرموف در کتاب خود تحت عنوان «**قوای سرخ در افغانستان**» با توصیف از همکاری های مسعود ادعا مینماید که مسعود میتوانست با پرتاب پارچه های سنگ از ارتفاعات بالای قوای شوروی، منطقه را با گورستانی تبدیل نماید! البته در آن حالت دیگر پایپ لینی وجود نمیداشت و رسانیدن مواد سوخت به چنان فوج بزرگ مسلح حتماً متوقف میگردید. همین طور است قضیه محافظت و باز نگهداشتن شاهراه سالنگ بروی قوای زمینی شوروی در قبال قرار داد های آتش بس ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ با دولت متجاوز که تخریب قسمتی از شاهراه میتوانست سد راه بی چون و چرای قوای اشغالگران گردد!

امروز یکی از تلوزیون های دروغ پرداز کابل بنام تلوزیون ملی «؟» که عصر سفسطه سرائی های مهر خان را از رادیوی پاکستان به خاطر می آورد، نشان میداد که در زیر خیمه لویه جرگه اجتماعی مرکب از یکعده طرفدار قهرمان جنگ سالار احمد شاه مسعود، گروهی از وابستگان حکومتی ای ناچار و تعدادی هم «**سیل بین**» گرد هم گرد آمده بودند، در حالیکه خوابیده ها استراحت میفرمودند و حواس اکثریت بقیه به موضوع مهمتر رسوائی کابل بانک که در آن اولیای گروپ آقای مسعود قهرمان، از قبیل برادر شان احمد ضیاء مسعود و مارشال پر افتخار جهاد «؟!» افغانستان، آقای فهیم و برادر بزرگوار شان، به بیرون از ساحه خیمه معطوف بود، به سخنان برادر دیگر قهرمان، آقای ولی مسعود که با تعلیمات مافوق لیسانس «؟!» در روابط بین المللی، بیشتر حیاتشان در سفارت افغانستان در لندن و ماجراهای مربوطه به آن سپری گردیده بود، «ظاهرأ» گوش میدادند.

آقای ولی مسعود میفرمودند که مثلاً احمد شاه مسعود به وحدت ملی معتقد بوده و بین اقوام افغانستان هیچ تفاوتی «!» را قائل نبود و..... پس معلوم نیست که این اصطلاح تفرقه اندازان قومی که میگویند: تاجک مافوق همه، از کجا نشأت نموده است؟ آقای ولی مسعود و پیروانشان هنوز هم به رجز خوانی هائیکه اگر مسعود نمیبود افغانستان به صوبه پنجم پاکستان و یا ایالت شانزدهم اتحاد شوروی مبدل میگردید، برای فریب مردم باشعور افغانستان میپردازند. وی میتوانست بر قسمتی از مضمون داکتر حسن شرق تحت عنوان «**آغاز و انجام حکومت انتقالی**» و معاهده ننگین خنجان که توسط لویه جرگه وقت به تصویب نرسید، سخنی چند ابراز فرماید... معاهده ایکه جدائی ۱۴ ولایت شمال و شمال شرق و تجزیه افغانستان عزیز را در قبال داشت!!

بهر حال، آنانیکه در جلسه بزرگداشت آمر صاحب خواب بودند و هم کسانیکه متصل فازه میکشیدند، شاید از شنیدن تکرار مکررات همه ساله جناب ولی مسعود خسته گشته و توقع داشتند این برادر ارجمند و دانشمند که عمری را در يك مملکت انگلیسی زبان سپری نموده است، اقلاً برای یکبار به دفاع از اتهاماتی که در اینهمه اسناد و مدارک بر برادر قهرمان وی نسبت داده میشود، بپردازد و بگوید که هموطنان عزیز، خاطرات و راپور های امریکائیان فعال در منطقه چون گری شرون و ستیو کول و ابسته به سی آی ای به «این دلیل غلط است، لطفاً

باور نفرمائید» و یا بگوید که « معاهدات خنجان و جبل سراج به چنین دلایل هرگز واقع نگردیده است.... جنگ یا قتل عام فشار، در غرب کابل صرف یک تصور است و هیچگونه شواهدی مبنی بر موجودیت آن وجود ندارد.... و یا بالاخره بیان نماید که «املاکی که در بدل مزد شصت و آبله دست مردم افغانستان با قروض غیر مجاز کابل بانک در امارات عربی خریداری شده است، هیچ یک از اعضای دلسوز، شریف و وطن پرست ائتلاف شمال در آن هرگز دست نداشته اند».

بعد از توصیف های تکراری محیرالعقول آقای ولی مسعود، بیانیه نامبرده در حالی ختم گردید که شخصی که در قسمت عقب جلسه با صدای عجیبی شعار های نامفهومی از گلو بیرون میکشید، تعداد زیادی از خواب بردگان و استراحت کننده گان را متوحش و هراسان ساخت.

ساعتی بعد پروگرام «نگاه» آقای مسکینیار از تلوزیون آریانای کابل شروع گردید. نامبرده ادعای اینرا داشت که تاریخ افغانستان که در تاریخ با قربانی های زیاد و ملیون ها شهید سر دچار میباشد، چرا روز «شهداء» به مناسبت یکی از ایام یا روز هائی که مردم به مقابل دشمن وطن قربانی داده اند «انتخاب» نمیشود، مثلاً روزی که مردم سربه کف هرات به مقابل قوای شوروی و خائنین وابسته به آنان به پا خواستند و یا چرا باید روز خونین شهادت ناهید قهرمان و شاگردان مکاتب که جز قلم به مقابل دشمن اسلحه ای نداشتند، روز شهدا نیست؟

واقعاً حکومت آقای کرزی درین زمینه ملامتی ابدی تاریخ را کمائی خواهد نمود. وی کاملاً میتواند روزی را بنام یکونیم ملیون شهید مجاهد افغان، شصت و پنج هزار شهید مظلوم جنگ های کابل در عصر زمامداری ربانی - مسعود که مظلومانه قربانی کشتار تنظیم های جهادی گردیدند و بالاخره شبی که بیشتر از پنج هزار شهید جنگ و قتل عام خانمان بر انداز «افشار» جان های شیرین را زیر آتش توپ خانه از دست دادند، با بر افراختن یک مجسمه شهید گمنام در قلب پایتخت تعیین نماید و در آن روز رخصتی عمومی را اعلام کند. همین راستی رئیس دولت افغانستان به چه دلیل از چنین یک اقدام ملی ابا میورزد؟!

در خاتمه بعد از فرستادن درود و دعا به ارواح پر فتوح آن شهدای واقعی معرکه ها و مبارزات ملی نجات وطن، برای دسترسی به آثار و اسناد معتبر تاریخ افغانستان و رول احمد شاه مسعود در اوراق گوناگون آن که خوانندگان را بعد از مطالعات چنان آثاری به قضاوت و باور در مورد صفحات تاریخ واقعی مادر وطن و حوادث آن رهنمونی مینماید، مختصراً سطور چندی ارائه مینمایم:

به حیث مدرکی به آنچه شورای نظار کاملاً منکر «حادثه» هستند، نظری هم به صفحه ای از جریده «امید» سال ۱۹۹۳ شماره ۴۵، صفحه ۳ می اندازیم که بدون شک مدیر جریده و شاعلی جلاله منکر جنگ «افشار»، هردو به متن آن کاملاً وقوف دارند:

درین شماره آقای سید طیب جواد سفیر کبیر افغانستان در واشنگتن، به حیث خبرنگار در همان وقت اخبار حوادث خونین کابل را با دقت و مفصلاً از جرائد و آژانس های خبری گرفته و در مطبوعات منتشر مینمود:

سید طیب جواد: پیمان نظامی حزب وحدت با گلبدین:

در هفته های گذشته یکی از واقعات غیر مترقبه و بسیار سوال بر انگیز، پیمان نظامی حزب وحدت با حزب گلبدین و پسانتر حادثه «افشار» و خشونت کم نظیر دولت کابل و قوای سیاف در برابر بخشی از شهریان غیر نظامی کابل، بجرم هواداری از حزب وحدت بود.....وی جای دیگری مینویسد: اشاره های دیپلمات مآبانه که

به این واقعه شد، باین می‌تواند خلاصه شود که ملت ما همیشه برادر و برابر بوده، آنچه شد جهالت چند نفر و دست خارج بود. خدا مرده‌ها را بیامرزد، و زنده‌ها همچنان اتحاد خود را نگهدارند. و سلام. جای دیگری می‌فرماید..... شورای نظاری‌ها هم سر قوای تنظیم اتحاد اسلامی سیاف صدا کرده و با هم رفتند و منطقه را «پاکسازی» کردند. به گزارش لوموند کسانیرا که قدرت حمل اسلحه داشت کشتند. به زنان تجاوز کردند.... ختم.

آرشیف احمد شاه مسعود در پورتال «۱» افغان جرمن آنلین:

دلیل تشکیل جداگانه این آرشیف در حقیقت سهم‌گیری و موجودیت جای پای احمد شاه مسعود، به حیث یکی از قوماندان‌های فعال تنظیمی از عصر مرحوم محمد داود تا سال ۲۰۰۱ میلادی است. درین قسمت مضامین و مقالات اکثراً تحقیقی، تاریخی و بعضاً ترجمه از منابع مختلفه از قبیل آثار و کتب نویسندگان داخلی و خارجی، مورخین و محققین، آرشیف‌های کی‌جی‌بی و سی‌آی‌ا و راپورهای موسسات غیر وابسته حقوق بشر و کتب مختلفه‌ای است که از مراکز استخباراتی درگیر در واقعات افغانستان به نشر رسیده است. مراجعه و مطالعه این آرشیف غنی، سوالات بیشماری را در مورد قوماندان مذکور جواب داده و خواننده را به منابع مختلفه مطالعاتی مستند رهنمون می‌گردد.

با مراجعه به این آرشیف آموزنده، خوانندگان اولاً دو عدد تصویر معروف و آشکارایی را مشاهده مینمایند که احمد شاه مسعود را با قدرتمندان حزب وطن فروش دیموکراتیک خلق از قبیل نبی عظیمی و نور الحق علومی و عده دیگری از وابستگان آن حزب در حال فعالیت مشترک بروی نقشه مقدس افغانستان عزیز نشان میدهد.

درین آرشیف در پهلوئی مضامین و راپورهای ارزشمند نویسندگان «۲» و مؤرخین گوناگون باید از دو محقق و مترجم افغان به قدرتمندی یاد نمود که عبارت اند از دانشمند پرکار و خیره‌آقای رحمت آریا که تراجم شان به شکل کتب که قبلاً ذکر گردید و ده‌ها مقاله مستند شان به السنه اصیل پشتو و دری در دسترس هموطنان علاقمند به واقعیت تاریخ وطن قرار دارد. ترجمه اخیر شان تحت عنوان «تقدیس یا الوهیت مسعود» که بقلم بروس ریچاردسن افغانستان شناس خبره و نویسنده کتاب «افغانستان: در جستجوی حقیقت» است، وقایع زیادی را روشن می‌سازد. نویسنده و مترجم پرکار و متهور دیگر افغان محترم داکتر عبدالرحیم عزیز است که نوشته‌ها و تراجم مستند وی درین آرشیف قابل غور و مذاقه میباشد که ترجمه «افغانی که نمیخواهد بجنگد» و راپور «دو پیمان، دو خیانت» بسیار جالب است که معاهده ترکی را با شوروی و قرار داد مسعود را با آن ابر قدرت افشاء می‌نماید. از مضامین متعدد این آرشیف به ذکر قسمتی می‌پردازیم: از محترم انجنیر خلیل الله معروفی، «احمد شاه مسعود، کابل گیرک ثانی». از محترم حمید انوری، «مراحل جهاد احمد شاه مسعود»، ازین قلم، «احمد شاه مسعود و هوا خواهان اغماض گر»، از محترم رحمت آریا ترجمه، «افغانستان: رشتیا پلنته» - بروس ریچاردسن. از محترم حمید انوری، «نگاهی به آخرین روز مسعود» - «مطالعه این مضمون مستند که به اعتبار مصاحبه و ویدیوی محترم مسعود خلیلی رقم خورده است، دارای اهمیت فوق العاده میباشد»، از محترم رحمت آریا، «احمدشاه مسعود ته الویت ورکول». از محترم حکیم نعیم، «وزارت خارجه امریکا افشاء میکند»، از محترم رحیم عزیز ترجمه، الاشه شکن - JAWBREAKER و از این قلم، «آگاهی به واقعیت‌های تاریخ افغانستان، حق هر افغان است».

نتیجتاً با نهایت درد و تاثیر دیده میشود که در زمان زمامداری حامد کرزی، روز خجسته و افتخار آفرین استقلال ملت افغانستان با محصلین آن در سایه و تاریکی هر سال کمرنگتر گردیده و ناپدید میشود و در عوض برگزاری محافل باشکوه و پرخرج در نقاط مختلفه جهان برای بزرگداشت آنانیکه صفحات پر افتخار تاریخ وطن را سیاه نموده اند، تبارز مینمایند... روزی که از میلیون‌ها شهید راه نجات وطن اسمی برده نمیشود... روزی که ملت رنجور افغان بحیث شهود عینی و حکم تاریخ، ارزشی به آن قابل نمیباشد!

نوت: ۱ - این مضمون در سال ۲۰۱۰ که اینجانب همکار فرهنگی با وبسایت افغان جرمن بودم تحریر شده است، ولی همانطور که از آرشیف های تعدادی از خبرنگاران مطبوعات با آثار ملی گرانقدر آنان دیگر اثری در آن وبسایت موجود نیست، آرشیف آموزنده احمد شاه مسعود هم دیگر به چشم نمی خورد.

۲ - تعداد زیادی از راپور های مقامات معتبر از قبیل اسناد وزارت های خارجه و دفاع امریکا و شوروی، نشرات زیادی از مؤسسات بیطرف حقوقی و خیریه بین المللی، آثار بیشمار محققین و نویسندگان خارجی و داخلی در مورد چگونگی فعالیت های مختلفه حیات احمد شاه مسعود برای درک و آگاهی بیشتر به رویداد های تاریخ معاصر افغانستان، با دسترسی به اینترنت با یک «کلیک بر موس» بدست می آید و کتاب های زیادی از منابع مختلفه مثلاً «آمازون» دستیاب میگردد.

درین جای شکی نیست که از ضعف حکومت فعلی افغانستان و بازی های کثیف ممالک نیدخل در سرنوشت افغانستان، تا هنوز باند تفرقه انداز ائتلاف شمال بر مقدرات ملت مظلوم افغانستان حاکم اند و در پهلوی چور و چپاول دارایی های عامه،

پایان

